

## Comparative-Analytical Study: Basis of Ta'abbudi Interpretation in Fiqh with Emphasis on Ayatollah Khamenei's Opinion on Surah An-Nisa, Verse 101

Mohammadreza Faz-ali \*

*Member of the Faculty of Quran and Hadith Sciences, University of Tehran*

### Abstract

One of the debated issues in Islamic jurisprudence (Fiqh) is the status of interpretive hadiths in the applicability of Ayāt al-aḥkām (a list of Quranic verses from which practical rulings of the Shari'a (or jurisprudential rulings) can be gleaned) to Shar'i rulings. Traditional jurists have only considered their own interpretations of Quranic verses as authoritative and have used them as evidence. However, suppose a hadith interprets a Quranic verse to convey a specific ruling, and the verse itself does not explicitly state this ruling. In that case, the hadith is used as an independent piece of evidence derived from the Sunnah (Prophet's traditions), rather than the Quran. This study employs a library-based research method to analyze the views of jurists and exegetes (Quranic commentators) on Surah An-Nisa, verse 101. This verse, with its debated legal ruling, serves as a case study for the concept of Ta'abbudi interpretation. The collected data is then comparatively analyzed through the lens of Ayatollah Khamenei's perspective. The article introduces and defends the Leader's novel theory of "correlation between interpretive hadiths," which aligns with the concept of Ta'abbudi interpretation of Quranic verses. This approach emphasizes the importance of interpretations by religious authorities when the meaning and legal implications of a verse are not immediately clear.

**Keywords:** Ayatollah Khamenei, Ayāt al-aḥkām, Shar'i rulings, interpretive hadiths, Ta'abbudi Interpretation, Surah An-Nisa

---

\* Email: mrf1375@gmail.com (Corresponding Author)

## تحلیل مبنای تفسیر تعبدی در فقه با تاکید بر دیدگاه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) درباره آیه ۱۰۱ سوره نساء و مقایسه با سایر مفسران

| محمدرضا فضلی\* |

### چکیده

یکی از مسائل مورد بحث در علم فقه جایگاه احادیث تفسیری در مقام دلالت آیات الاحکام بر احکام شرعی است. نوع فقها تنها استظهار نوعی خویش از آیات الاحکام را دارای حجیت دانسته و به عنوان دلیل استفاده می‌کنند. در این میان اگر روایتی در تفسیر آیات در مقام بیان حکم شرعی و تفسیر آیه مورد نظر آمده باشد، به صورت مستقل به عنوان دلیل از سنت مورد استفاده قرار می‌گیرد و دلیل بر حکم در این صورت دیگر از کتاب نبوده؛ بلکه از سنت می‌باشد. در این مقاله با استفاده از روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای نظرات فقها و مفسرین در ذیل آیه ۱۰۱ سوره نساء که یکی از آیات الاحکام مورد بحث است که روایت مفسر آن حکم شرعی است و خود به تنهایی دلالت بر حکم مورد نظر ندارد جمع‌آوری شد و سپس با روش پردازش توصیفی تحلیلی اطلاعات به دست آمده با نظر آیت‌الله خامنه‌ای به مقایسه گذاشته، و نظریه بدیع ایشان مبنی بر قرینه متصله بودن روایات تفسیری یا به عبارت دیگر بهره‌مندی از تفسیر تعبدی آیات الاحکام مطرح گردید و در اثبات این نظریه به استدلال‌های لازم پرداخته شد.

واژگان کلیدی: آیه تقصیر، مبانی قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای، آیات الاحکام، روایات تفسیری، تفسیر تعبدی.

۱. طلبه سطح چهار مرکز فقهی حضرت صاحب‌الامر (عجل‌الله‌فرجه)، قم، ایران

## مقدمه

یکی از ادله معتبر در عملیات استنباط احکام شرعی، قرآن کریم است. بنا بر اعتقاد شیعه، کتاب خداوند متعال همراه با معلم آن نازل شده است و آیات قرآن بطونی دارد که به جز راسخان در علم کسی قدرت درک آن را ندارد. پیامبر خدا (ص) و اهل بیت عصمت و طهارت ایشان، مفسران این کتاب آسمانی هستند. در این میان آیات الاحکام از آن جهت که در مسیر دقیق استنباط احکام شرعی قرار می‌گیرند، به لحاظ قواعد خاص علم فقه و اصول فقه، مورد اهمیت هستند. در پی آیات الاحکام روایاتی که آن آیات را تفسیر می‌کنند نیز در دسترس می‌باشد که مواجهه مختلف فقها با روایات تفسیری در مقامات گوناگون متفاوت است.

کسی از پیروان مکتب اهل بیت (ع) شکی در مفسر بودن کلام ایشان برای آیات قرآن کریم ندارد، لکن مسأله مدنظر مقاله در مواردی است که آیات قرآن ظهور در بیان آن حکم شرعی ندارد و یا حتی ظهور در معنای دیگری مخالف آن دارد، از سوی دیگر روایات در تفسیر آیه خلاف استظهار فقها را بیان می‌کنند. در این صورت که روایت اجمال و یا سکوت آیه را برطرف می‌کند، آیا روایت است که حکم فقهی را بیان می‌دارد یا آیه است که به عنوان دلیل فقهی اخذ می‌شود؟ به عبارت دیگر، متناسب با اصطلاح فقها: دلیل از کتاب است یا از سنت؟

هرچند که هر دو حجت هستند، اما هر دو منشأ مذکور در برخی ملزومات با یکدیگر برابر نیستند؛ از جمله تخصیص یا عدم تخصیص دلیل از قرآن کریم با روایات و... که در کتب دانشمندان علم اصول به توجه به اختلاف آراء، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (حائری اصفهانی، ۱۴۰۴: ۲۱۳؛ آخوندخراسانی، ۱۴۰۹: ۲۳۶؛ طباطبائی قمی، ۱۳۷۱: ۳۸۲/۱). همین تفارق، نشان‌دهنده ضرورت به نتیجه این مسأله در ناحیه مذکور می‌باشد که در این مقاله به بیان نظر بدیع آیت‌الله خامنه‌ای و همچنین اثبات نوآوری ایشان پرداخته شده است.

مقالاتی در رابطه با جایگاه روایات تفسیری به رشته نگارش درآمده است، می‌توان به طور مثال به مقاله رضا شکرانی و طاهره سادات سیدناری، با عنوان: «پژوهشی نو در گونه‌شناسی مدالیل روایات تفسیری و فواید آن» منتشر شده در شماره ۱۹ نشریه حدیث پژوهی در سال ۱۳۹۷، مقاله «قواعد حاکم بر بهره‌مندی از روایات تفسیری» اثر محسن قنبرزاده و فاطمه سادات ارفع چاپ شده در نشریه مطالعات علوم قرآن شماره ۱ در سال ۱۳۹۸ و مقاله از استاد رستم‌نژاد با عنوان: «روکرد روش‌شناختی در روایات تفسیری اهل بیت (ع)» انتشار یافته در شماره ۷ فصلنامه تخصصی حسنا در سال ۱۳۸۹ اشاره کرد. اما با توجه به موضوع این مقاله که بیان و اثبات نوآوری آیت‌الله خامنه‌ای در بهره‌گیری از

تفسیر تعبیدی در فقه می‌پردازد، نگاشته علمی در این موضوع یافت نشد تا شامل عنوان دقیق پیشینه برای این مقاله باشد.

در این نوشته سعی شده ابتدا با بیان مفهوم‌شناسی واژگان موردنیاز، بیان روایت تفسیری محل بحث و همچنین با بررسی علما در رابطه با آیه ۱۰۱ سوره نساء معروف به «آیه تقصیر» و مبانی آن بزرگواران در رابطه با استفاده از روایات تفسیری به دست آید. بعد از بیان مبانی مختلف، به بیان نظر مبنایی آیت‌الله خامنه‌ای و همچنین اثبات نوآوری ایشان با استناد به دروس خارج معظم‌له در این زمینه پرداخته شود. با ملاحظه بدیع بودن این روش فقهی، بررسی حجیت اصولی این اسلوب پیش از بیان نتیجه لزوم داشت که بیان شد. محل نزاع در آیه شریفه عباراتی از آیه شریفه است که محل اختلاف بین عامه و خاصه شده است عامه با استناد به آیه معتقد به تخییر بودن نماز مسافر بین قصر و اتمام شدند و شیعه به نحوی که در آینده بیان شده است، اعتقاد به وجوب آن دارد.

## ۱. مفهوم‌شناسی

### ۱-۱. روایات تفسیری

در لغت روایت به معنای متعددی از جمله: طناب، (شیبانی، ۱۹۷۵: ۲/۳۳) مشاهده کردن، (ابن درید، ۱۹۸۸: ۱/۲۳۵) سحر، (صاحب، ۱۴۱۴: ۱۰/۲۹۱) تفکر در چیزی، نقل کردن سخنان آمده است (جوهری، ۱۳۷۶: ۲/۳۶۴). در اصطلاح علم حدیث شیعی به مجموعه سخنان پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت ایشان (ع) اطلاق روایت می‌شود (استادان دانشگاه علوم حدیث، ۱۳۹۰: ۱۹). همچنین تفسیر در لغت به معنای هر چیزی است که به واسطه آن شناخت پیدا شود، (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۷/۲۴۸) یا کشف مراد متکلم از الفاظی که فهمیدن آن دشوار است، (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۲/۲۸۳) یا معنای معقول را ظاهر نماید، (راغب، ۱۴۱۲: ۶۳۶) یا هر آنچه در بیان احوالات چیزی گفته شود، آمده است (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۷/۳۴۹). همچنین برخی معنای تعبیر را نیز برای آن بیان کرده‌اند (اسماعیل صینی، ۱۴۱۴: ۲۵). تفسیر در میان مسلمانان گاهی در همان معنای لغوی خود یعنی شرح و تبیین مطالب به کار می‌رود، اما غالب استفاده آن در رابطه با تفسیر آیات قرآن است تا جایی که در صورت استعمال مطلق و بدون قیدی آن اذهان به سمت تفسیر قرآن کریم منتقل می‌شود. تفسیر قرآن کریم یکی از رشته‌های پرمحتوای اسلامی در میان تمامی مذاهب است که در آن آیات قرآن کریم از حیث دلالت معنایی مورد بررسی قرار می‌گیرد، یعنی علم فهم قرآن (زرقانی، بی‌تا، ۱/۴۷۰؛ کمالی دزفولی، ۱۳۷۰: ۲۹) برخی تفسیر را علم به نزول آیات، شأن نزول آیات، ترتیب مدنی و مکی بودن آن‌ها، محکم و متشابه بودن آن‌ها، ناسخ و منسوخ آن، عام و خاص آن و...

می‌دانند (آبیاری، ۱۴۰۵: ۹/۳). گروهی دیگر: مراد از تفسیر بیان آن چیزی است که در لفظ مخفی شده باشد (معرفت، ۱۴۱۸: ۱/۱۴).

با توجه به مفهوم‌شناسی دو مفهوم بالا، معنای اصطلاح روایات تفسیری مشخص می‌شود که آن را در بیان یکی از دانشمندان علوم قرآن بیان می‌کنیم: روایات تفسیری عبارتند از روایاتی که شامل توضیح آیه، بیان شأن نزول آیه، تأویلات آیات و همچنین بیان مصادیق آیات هستند می‌شود (معرفت، ۱۳۸۶: ۲۰۶).

### ۲-۱. تفسیر تعبیدی

در کلمات علمای علم لغت در ذیل این کلمه معانی متعددی دیده نمی‌شود و نوعاً به دو معنای پیش‌رو اشاره می‌نمایند: ۱. وقتی شخصی نسبت به دیگری متعبد می‌شود، به این معنا است که مانند برده یا عبد او می‌شود هرچند که آزاد باشد، (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴۸/۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۰۵/۴؛ ابن سیده، ۱۴۲۱: ۲۵/۲). ۲. طاعت و فرمانبرداری، (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۳۸/۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۷۱/۳) اما واژه مذکور یک اصطلاحی پُرکاربرد در زمینه علوم دینی است که در علوم مختلف مورد استفاده و کاربرد می‌باشد و در همه این حیطه‌های مختلف تنها به معنای عمل و پذیرش یک مطلب بدون دریافت و یا قبول دلیل آن مطلب است (ملکی اصفهانی، ۱۳۷۹: ۲۳۹/۱؛ بدری، ۱۴۲۸: ۱۱۲) البته در علم اصول به معنای خاص خود یعنی اعمالی که صحت آن‌ها متوقف بر قصد قربت است نیز به کار می‌رود که در مقابل واجب توصلی می‌باشد (سیستانی، ۱۴۴۱: ۵/۳).

### ۳-۱. مفردات آیه تقصیر

#### ۱-۳-۱. ضرب فی الارض

«ضرب» در لغت به معنای مختلفی از جمله این موارد آمده است: به معنای وصف کردن نوع رفتن افراد مانند حرکت با اسب یا استر و... و چیزهایی می‌باشد که در آن سفر به دست آوردند، مانند سفر تجاری است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۱/۷) و نیز زمانی که به صورت: «ضرب فی الارض» می‌آید، به معنای این است که شخص از شهر خود به جهت تجارت خارج شده است (ابن درید، ۱۹۸۸: ۳۱۴/۱؛ جوهری، ۱۹۷۸: ۱۶۸/۱) و یا معنای راه رفتن با پا می‌دهد (راغب، ۱۴۱۲: ۵۰۵/۱). وقتی به همراه باران بیاید معنای باران خفیف می‌دهد (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۴/۱۲)، برخی معنای سفر تجاری و هر نوع دیگری از سفر و همچنین به معنای سفر با سرعت بالا را بیان کردند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۹۸/۳).

جهت مشخص شدن معنای آن در اصطلاح قرآن به سایر استعمالات این لفظ در کتاب و سنت روی می‌آوریم: در قرآن کریم در غیر از آیه مدنظر پنج مرتبه دیگر یعنی در آیات ۲۷۳ سوره بقره،

۱۵۶ آل عمران، ۹۴ سوره نساء، ۱۰۶ سوره مائده، ۲۰ سوره مزمل، مصدر «ضرب» همراه با حرف «فی» آمده است که عیناً در ۴ مورد همان لفظ «ضرب فی الارض» می‌باشد.

در تفسیر مورد مذکور، برخی آن عبارت را به مطلق سفر کردن تفسیر کردند (ازدی بلخی، ۱۴۲۳: ۲۲۵/۱؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ۴۹۰/۱؛ طوسی، بی‌تا: ۳۵۶/۲؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۱: ۱۰۱؛ ابوعبیده، ۱۳۸۱: ۱۰۱/۱؛ دینوری، ۱۴۲۴: ۲۱۴/۱) و همچنین برخی در این آیات عبارت یاد شده را به معنای سفر تجاری بیان کردند (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۲۶۶/۲؛ سیوری، ۱۳۷۳: ۲۴۳/۱؛ طبری، ۱۴۱۲: ۹۶/۴؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ج ۲۹۵/۱؛ طوسی، بی‌تا: ۲۶/۳) در این میان برخی با توجه به قرائن و همچنین استعمال عبارت «ضرب فی سبیل الله» آن را به عنوان سفر جهادی معرفی کردند (طبری، ۱۴۱۲: ۱۳۹/۵؛ جصاص، ۱۴۰۵: ۲۶۶/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱۴۵/۲) در حالی که این تفسیر جالب نیز بیان می‌شود: معنای حقیقی، سفر تجاری است که تجارت را در این آیه کنار مجاهد قرار داده است تا بیان فضل تجارت کند. (عسکری، ۱۴۲۸: ۲۹۵) حال جهت فهمیدن معنای صحیح، به استعمال این اصطلاح در تعدادی از روایات اهل بیت (ع) مراجعه کردیم که در همه آن‌ها این عبارت به معنایی غیر از سفر تجاری دلالت ندارد (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۹۱/۶؛ مجلسی، ۱۴۱۹: ۸۳/۱۲۹؛ صدوق، ۱۳۶۲: ۶۱۶/۲). در نتیجه این عبارت به معنای سفر تجاری فهم می‌شود.

### ۱-۳-۲. لیس علیکم جناح

جناح در لغت به معانی متعددی از جمله: دست انسان، زمانی که شتر در راه رفتنش سرعت می‌گیرد، آمده است. همچنین زمانی که با سفر متعددی می‌شود یعنی اراده سفر کردن (ازهری، ۱۴۲۱: ۹۵/۴). از جمله دیگر معانی به: اثم و گناه، میتوان اشاره کرد (راغب، ۱۴۱۲: ۲۰۷/۱). اما در اصطلاح مفسران در تفسیر این عبارت که بیش از بیست مرتبه در قرآن کریم در آیاتی مانند: ۱۵۸، ۲۳۳ الی ۲۴۰، سوره بقره، ۱۲۸ سوره نساء، ۹۳ سوره مائده و آیه ۱۰ سوره ممتحنه تکرار شده است عبارتی از جمله: رفع منع، رفع حظر، عدم گناه و عصیان، رخصت شرعی، اباحه به معنی الاعم و... آمده است (الحبري، ۱۴۰۸: ۹۷؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۱: ۶۳؛ دینوری، ۱۴۲۴: ۵۳/۱؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲/۲۷ و ۱۶۴ و ۳۲۰؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۲۶۷/۱؛ ازدی بلخی، ۱۴۲۳: ۱۷۵/۱ و ۱۹۵ و ۱۱۹؛ مکی، ۱۴۲۹: ۱۶۴/۱؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۹۶/۱؛ شافعی، ۱۴۱۲: ۲۱۸/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۸۸/۲؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۶۸۷/۱؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ۶۳۰/۱) که با در نظر گرفتن قرینه: وجوب قطعی نماز تمام و مواجهه با عبارت «لیس علیکم جناح» آن را به اباحه به معنی الاعم تفسیر می‌کنیم.

## ۳-۲-۱) این خفتیم

در لغت به معنای روبه‌رو آمده است: ملخ تا وقتی که هنوز بال‌هایش را باز نکرده باشد، یکی از دو چشم باز شکاری، (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۱۲/۴) ترس از خطری پیش‌رو، کوتاهی کردن که سبب ترس به علت آن کوتاهی بشود، (زاغب، ۱۴۱۲: ۳۰۳/۱) رعب، برحذر داشتن، (حیدری، ۱۳۸۱: ۲۱۱/۱) کوتاهی کردن در کاری (جوهری، ۱۳۷۶: ۱۳۵۸/۴؛ صاحب، ۱۴۱۴: ۴۲۳/۴؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۲۴۳/۷) و در اصطلاح مفسران در تفسیر این عبارت که ۵ مرتبه دیگر در قرآن کریم بیان شده است به معنای: علم و یقین پیدا کردن (ابن‌قتیبه، ۱۴۱۱: ۸۰؛ ابو عبیده، ۱۳۸۱: ۷۴/۱؛ فارسی، ۱۴۱۳: ۲۳۸/۲؛ طوسی، بی‌تا: ۲۴۵/۲؛ علم‌الهدی، ۱۴۱۳: ۸۵) و معنای ترس آمده است (طبری، ۱۴۱۲: ۳۵۶/۲؛ دینوری، ۱۴۲۴: ۷۹/۱).

## ۲. روایت تفسیری ذیل آیه تقصیر

«عن حریر قال: قال زرارة و محمد بن مسلم قلنا لأبي جعفر عليه السلام ما تقول في الصلاة في السفر كيف هي و كم هي قال: إن الله يقول: إِذَا صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ» فصار التقصير في السفر واجبا كوجوب التمام في الحضر - قالوا: قلنا: إنما قال ليس جناح عليكم - أن تقصروا من الصلاة و لم يقل افعلوا - فكيف أوجب الله ذلك كما أوجب التمام في الحضر - قال: أ و ليس قد قال الله في الصفا و المروة «فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا» أ لا ترى أن الطواف واجب مفروض، لأن الله ذكرهما في كتابه و صنعهما نبيه ص و كذلك التقصير في السفر شيء صنع النبي ص فذكره الله في الكتاب - قالوا: قلنا: فمن صلى في السفر أربعا أ يعيد أم لا قال: إن كان قرئت عليه آية التقصير و فسرت له فصلی أربعا أعاد، و إن لم يكن قرئت عليه و لم يعلمها فلا إعادة عليه، و الصلاة في السفر كلها الفريضة ركعتان - كل صلاة إلا المغرب، فإنها ثلاث ليس فيها تقصير تركها رسول الله ص في السفر و الحضر ثلاث ركعات. (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۷۱/۱؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۱/۴۳۴؛ مجلسی، ۱۴۰۶: ۲/۶۰۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۷/۳۸؛ عاملی، ۱۴۱۴: ۳/۴۲۱؛ بحرانی، ۱۳۷۴: ۱/۳۴؛ العروسی الحویزی، ۱۴۱۵: ۱/۱۴۸؛ ابن حیون، ۱۳۸۵: ۱/۱۹۵)

## ۲-۱. بررسی سندی روایت

سه نفر پایانی که روایت را برای ما نقل می‌کنند عبارتند از: ۱. نعمان بن محمد مغربی معروف به ابوحیون در کتاب دعائم الاسلام ۲. جناب عیاشی در کتاب تفسیر خویش ۳. مرحوم صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه. ابوحیون در کتب رجالی شخصی مجهول است و وثوق ایشان معلوم نیست تنها نکته موجود در کتب رجالی آن است که او کتابی داشته است و برقی از او روایت نقل کرده است و

مرحوم آقای خویی طریق شیخ به ایشان را صحیح می‌داند. در هر صورت با توجه به آنکه به صورت مرسله حدیث را نقل کرده است، این سند از دایره اعتبار ساقط می‌شود (طوسی، ۱۴۲۰: ۵۲۶؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۴۵۲؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۵۸؛ مجلسی، ۱۴۰۶: ۱۴/۴۸۱؛ خویی، ۱۳۷۲: ۲۱/۱۳۸).

از طرفی از آنجا که ابوحنیف با عیاشی تقریباً معاصر بودند و ابوحنیف در طریق خود نامی از عیاشی نمی‌آورد، نتیجه می‌گیریم طریق ابوحنیف غیر از طریق عیاشی است. اما در طریق دیگر، جناب عیاشی ناقل روایت هستند که مابقی کتب نوعاً از ایشان نقل کرده‌اند. محمد بن مسعود معروف به عیاشی به تصریح کتب رجالی شخص موثق امامی مذهب است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۰؛ حلی، ۱۳۴۲: ۳۴۵؛ حلی، ۱۴۱۱: ۱۴۵؛ قمی، ۱۴۱۴: ۶/۵۸۶) نفر بعد در سند حرز از اصحاب حضرت صادق علیه‌السلام است و به شهادت برخی کتب رجالی از ثقات می‌باشد (طوسی، ۱۳۷۳: ۱۹۴؛ حلی، ۱۴۱۱: ۶۳؛ حلی، ۱۴۳۲: ۴۳۸) و با توجه به آنکه عیاشی در دوران غیبت صغری می‌زیسته در این میان جای یک یا دو واسطه خالی است که روایت در حکم مرسله می‌باشد و این طریق نیز اعتبار ندارد.

اما طریقی که مرحوم صدوق در من لایحضره الفقیه برای این حدیث دارند و از مشیخه آن کتاب برداشت می‌کنیم، چنین است: الف) طریق شیخ صدوق به جناب زراره: روایت را از پدرشان نقل می‌کنند از عبدالله ابن جعفر الحمیری از محمد بن عیسی بن عبید؛ و حسن بن ظریف از حماد بن عیسی، از حرز بن عبدالله، از زراره بن أعین که به گواهی کتب رجالی همه از ثقات هستند. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۶۱ و ۲۱۹ و ۳۳۳ و ۶۱ و ۱۴۲؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۴۳۲ و ۴۰۰ و ۳۳۴؛ حلی، ۱۴۱۱: ۱۰۶ و ۵۶ و ۴۳؛ حلی، ۱۳۴۲: ۵۰۸) روای اصلی جناب حرز است که اسناد توثیقات ایشان در بالا بیان شد.

البته نام جناب محمد بن مسلم نیز در روایت، مذکور است برای بررسی دقیق لازم بود طریق شیخ به ایشان هم بررسی شود، منتها چون نقل روایت در نقل جناب عیاشی از جناب حرز است و حرز در طریق شیخ صدوق به جناب محمد بن مسلم حضور ندارند و همچنین آیت‌الله خامنه‌ای طریق شیخ صدوق به جناب محمد بن مسلم را صحیح نمی‌دانند جهت رعایت لزوم اختصار از بررسی آن طریق صرف نظر شد و برای قبول روایت به عنوان یک حدیث صحیح، همین مقدار کافی است (خامنه‌ای، درس خارج، ۱۳۹۳/۰۱/۱۸).

## ۲-۲. بررسی دلالت روایت:

روایت مذکور در مقام دلالت در بحث مورد نظر سه دلالت مهم به همراه دارد: دلالت نخست آن است که طبق نظر دو نفر از شاگردان بزرگ و راویان پُراهمیت آن زمان یعنی جناب محمد بن

مسلم و زراره که به دستور اهل بیت (ع) مورد رجوع شیعه بوده‌اند (کشی، ۱۴۱۴: ۱/۳۸۳ و ۱/۳۴۵). آیه شریفه به علت وجود عبارت «لا جناح» دلالت بر وجوب نماز قصر برای مسافر ندارد. همچنین با توجه به عدم تعجب آن دو شخص از نسبت آیه شریفه به نماز مسافر نیز برداشت می‌شود، آنان از عبارت «ضرب فی الارض» مطلق سفر را برداشت نمودند. و دلالت مهم قول امام معصوم (ع) است که ایشان با استخدام از آیه شریفه حکم وجوب برای نماز مسافر را بیان داشتند و آن را علت این حکم دانستند.

### ۳. بیان نظرات علما در رابطه با آیه تقصیر

آنچه در آیه مدنظر که در بیان فقها به آیه تقصیر معروف است مورد توجه می‌باشد، دلالت آیه شریف بر وجوب نماز قصر یا همان نماز شکسته بر مسافر است که حکم آن، مستند به روایات و اجماع ثابت و طبق ادعای بزرگانی از علما از ضروریات مذهب اهل بیت (ع) می‌باشد. در مقابل قول عامه قرار دارد که طبق آیه شریفه برخی از مذاهب اهل سنت، نماز قصر را صرفاً یک عمل جایز می‌دانند، نه واجب، در نتیجه در جواز قصر در سفر احدی از مسلمین اختلاف ندارد، جواز قصر ضروری دین و وجوب قصر ضروری مذهب است و کسی در صورت انکار هر کدام از دین و یا مذهب خارج می‌شود (حلی، ۱۴۱۴: ۴/۳۴۹؛ خونی، ۱۴۱۸: ۲۰/۱؛ ابن حزم اندلسی قرطبی، بی تا، ۲/۱۸۵؛ اصبحی مدنی، ۱۴۱۵: ۱/۲۰۶؛ اصبحی مدنی، بی تا: ۱/۸۰؛ قرافی، ۱۹۹۴: ۲/۳۶۸؛ شافعی، ۱۴۱۰: ۱/۲۰۷).

فقهای مکتب اهل بیت (ع) که معتقد به وجوب قصر نماز برای مسافر هستند، در این میان در راستای استدلال به آیه تقصیر جهت حکم مذکور دو مانع در آیه شریفه وجود دارد: ۱. عبارت «لیس علیکم جناح» است که ظهور در معنای وجوب ندارد، حتی در روایت تفسیری مدنظر که در بالا آمد، مورد سؤال و اشکال محمد بن مسلم و زراره شده است. ۲. عبارت «إن خفتم» است که برخی آن را قید غالبی دانسته و برخی به واسطه آن اصلاً آیه را مربوط به نماز مسافر نمی‌دانند. فقها در برداشت از آیه کریمه به چند گروه تقسیم می‌شوند، هر کدام در کتب خود به محظورات آیه از جمله دو مانع مذکور، به صورت مفصل پاسخ داده‌اند که در اینجا جهت رعایت اختصار تنها به نتایج نظرات بزرگان خواهیم پرداخت:

#### ۳-۱. اختصاص آیه به نماز خوف

بسیاری از فقها این آیه را مختص به کوتاه کردن نماز در رابطه با نماز جنگی یا به اصطلاح فقهی همان «صلاة خوف» دانسته‌اند (مفید، ۱۴۱۳: ۲۱۳؛ علم الهدی، ۱۴۱۵: ۱۶۴؛ علم الهدی، ۱۴۳۱: ۲/۸۳؛ نجفی، ۱۴۱۴: ۱۴/۱۶۰؛ ایروانی، ۱۴۲۷: ۱/۱۷۷؛ حائری، بی تا: ۱/۲۴۶؛ حلی،

تحلیل مبنای تفسیر تبعیدی در فقه با تأکید بر دیدگاه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) درباره آیه... (فضعلی) ۱۳۳

۱۴۱۷: ۷۵؛ راوندی، ۱۴۰۵: ۱/۱۴۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹: ۲/۱۷۲؛ خوئی، ۱۴۱۸: ۲/۲۰) کاشف‌الغطا با استظهار شخصی اش آیه را دال بر صلاه خوف دانسته است و تفسیر آن بر صلاه مسافر وارد می‌کنند، اما در نهایت چون در روایت به این آیه از جهت نماز مسافر استناد شده است، در نتیجه از حرف خود عقب‌نشینی کرده و استدلال به آیه، برای نماز خوف را ساقط می‌دانند (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲: ۳۱۱). برخی تفسیر «ضرب فی الارض» به مطلق سفر که علت قصر نماز می‌شود را موجب لغو آمدن قید خوف می‌دانند، در نتیجه این آیه را فقط مختص به نماز خوف می‌دانند (عاملی، ۱۴۱۱: ۴/۴۱۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۷: ۲/۴۵۵).

### ۲-۳. دو قید خوف و سفر موضوع مستقل در اثبات حکم هستند

برخی فقها و مفسران بر این باورند که هر کدام از سفر و خوف به صورت مستقل سبب تام است. برای حکم وجوب تقصیر نماز (حلی، ۱۳۸۷: ۱/۱۵۶؛ سیوری، ۱۴۴۰: ۲۸۰؛ عاملی، بی‌تا: ۲۵۵). مرحوم میانجی وجوب قصر در سفر خوفی را از آیه برداشت می‌کنند و استدلال به آیه جهت نماز خوف در حالت حضور در وطن را خالی از اشکال نمی‌دانند و نیاز به استناد به روایات می‌دانند (میانجی، ۱۴۰۰: ۱۲۷ و ۲۵۶). محقق سبزواری مستند به روایتی از زراره از حضرت باقر علیه‌السلام که فرمودند هم در خوف و هم در سفر نماز قصر می‌شود، پس هر کدام علت تامی برای تقصیر در سفر هستند، در نتیجه خوف در آیه یا قید غالبی است یا مربوط به همان سفری می‌باشد که آیه در آن نازل شده است (سبزواری، ۱۲۴۷: ۲/۴۰۳).

### ۳-۳. آیه فقط بر بیان مشروعیت نماز کوتاه دلالت دارد

برخی معتقدند که آیه فقط دلالت بر مشروعیت نماز به صورت قصر دارد و از جهت بیان حکم ساکت است (جزیری و همکاران، ۱۴۱۹: ۱/۶۰۸؛ طباطبائی، ۱۳۹۰: ۵/۶۱).

### ۳-۴. معتقدین به دلالت آیه بر وجوب نماز کوتاه برای مسافر

بسیاری از فقها آیه را دال بر وجوب قصر نماز در سفر دانسته‌اند که آن‌ها هم به چند گروه تقسیم می‌شوند. گروه نخست آن دسته از فقها و مفسران هستند که آیه را مستند و منضم به روایت مذکور که در بالاتر بحث شد دلیل بر وجوب قصر در سفر می‌دانند (شیخ‌الشریعه اصفهانی، ۱۴۰۴: ۲۲۴؛ عاملی، ۱۴۱۹: ۴/۴۸؛ قمی، ۱۴۲۳: ۳/۲۶۶؛ روحانی، ۱۴۱۲: ۶/۳۴۹؛ کاشف‌الغطاء؛ بی‌تا: ۱۶؛ بهبانی، ۱۴۲۴: ۲/۱۷۸؛ مدرسی‌یزدی، ۱۴۱۰: ۲۸۴). روش این دسته روش مرسوم بین علمای فقه اسلامی است، زیرا آن چیزی که به عنوان دلیل در این صورت مورد استناد قرار می‌گیرد، در حقیقت سنت است، نه دلیل از کتاب. مرحوم مقدس اردبیلی آیه را مجمل دانسته و تفسیر آن را به‌عهده اخبار گذاشته است (اردبیلی، بی‌تا: ۱۹۹).

گروه دوم، گروهی هستند که به صورت مستقل و بدون بیان تفسیری، آیه را دلیل دانسته‌اند (علم‌الهدی، ۱۴۱۷: ۲۶۱؛ عاملی، ۱۴۲۱: ۱/ ۳۰۸؛ حلی، ۱۴۱۹: ۲/ ۱۶۳؛ کرکی، ۱۴۰۹: ۲/ ۲۴۰؛ عاملی، ۱۴۱۹: ۱۰/ ۵۹۱؛ قمی، ۱۴۱۷: ۶/ ۱۴۰). بعضی با استناد به سنت نبوی و بدون ذکر اسناد آن سنت نبوی و بیان آن به صورت ارسال مسلمات آیه را دلیل دانستند (سبحانی، ۱۴۲۳: ۳۲۵ الی ۳۲۹؛ یزدی، ۱۴۱۵: ۱/ ۱۰۰). علامه حلی در ضمن بیان سنت نبوی (ص) به همان صورت مذکور، اجماع را نیز بیان می‌کند (حلی، ۱۴۱۴: ۴/ ۳۴۹).

غیر از گروه‌های بالا، عده‌ای از فقها هستند که هر کدام با توجه به تفسیر و دلیل‌های دیگری به استنباط از آیه می‌پردازند، از جمله: آیت‌الله بروجردی از روایت استفاده می‌کنند، ولی بیان می‌دارند که استشهاد امام علیه‌السلام در آیه به این معنا نیست که از آیه وجوب فهمیده می‌شود، بلکه علت وجوب آن استمرار سنت نبوی می‌باشد و با استشهاد به آیه سعی بین صفا و مروه فقط قصد دارند بیان کنند که عبارت لاجنح منافاتی با وجوب ندارد (بروجردی، ۱۴۱۶: ۹۴). ایشان در کتاب دیگر آیه را قرین به روایات دال بر وجوب می‌دانند (بروجردی، ۱۴۲۶: ۱۰۹/۱). آیت‌الله میلانی از روایت چنین استظهاری دارند که امام علیه‌السلام اشاره کردند که اگر صیغه «افعلوا» می‌آمد، چون در مقام رفع توهیم حَظَر بود دیگر دلالتی بر وجوب نداشت، در نهایت ایشان در کنار روایت همراه با یک قرینه بدیعی که بیان شد، وجوب را استنباط می‌فرمایند (میلانی، ۱۳۹۵: ۶). همچنین علامه حلی در کتاب دیگرشان در ذیل آیه می‌فرمایند: اگر سفر و خوف دو سبب به صورت مجموعی باشند که در صورت اجتماع قصر واجب باشد و در صورت فقدان یکی از آن دو نماز تمام واجب شود، این فرض بنا بر اجماع باطل می‌باشد، چون می‌دانیم که هر دو به صورت مستقل دلیل برای قصر هستند و بعد این فرمایش را مقرون به قرائن روایی می‌فرمایند (حلی، ۱۴۱۳: ۳/ ۳۸).

آیت‌الله اشتهاردی با دو مقدمه استدلال به وجوب قصر در سفر از آیه می‌کند: ۱. شکی نیست که سفر همراه با خوف علت تامه برای تعیین حکم وجوب قصر در سفر است و سفر بدون خوف علت تامه برای قصر نیست، از طرفی خوف به تنهایی هم علت تامه نیست، از این فهمیده می‌شود که سفر علت تامه برای قصر نماز می‌باشد. از طرفی می‌دانیم که شأن نزول آیه مربوط به بعض غزوات پیامبر (ص) است که در آن‌ها خوف وجود داشته که با توجه به آنکه می‌دانیم مورد مخصص آیه نیست، این اشکال رد می‌شود. ۲. عبارت «لاجنح» حکم تکلیفی نیست، بلکه حکم وضعی است که هیچ‌کس از بیان احکام وضعی رخصت فهم نمی‌کند (اشتهاردی، ۱۴۱۷: ۱۹/ ۱۲).

محقق کاظمی: با توجه به اینکه چنین گمانی برای افراد بود که اگر نماز تمام را رها کنند و قصر بخوانند مصلحت نماز تمام را از دست نمی‌دهند، آیه آمد و بیان کرد که از دست نمی‌دهید در این

صورت آیه دلالت بر تخییر ندارد (کاظمی، بی تا: ۱/ ۲۷۲) شیخ طوسی با استناد به سایر روایات حکم به وجوب در آیه را در تفسیر خود در ذیل آیه می‌دهند (طوسی، بی تا: ۳: ۳۰۷)، در حالی که در کتاب فقهی خود به صورت مستقل آیه را به عنوان مستند وجوب قصر در سفر می‌آورند (طوسی، ۱۴۰۷: ۱/ ۵۶۷).

همچنین آیت‌الله برکتین در ضمن تفسیر «ضرب فی الارض» در آیه به مطلق انتقال از مکانی به مکان دیگر و همچنین اختصاص «لاجناح» در آیات جهت رفع توهم حظر، با استناد به چند قرینه از آیه وجوب را استنباط کردند: ۱. با قرینه سیاق ثابت است که آیه مربوط به شرایط خوف می‌باشد و در شرایط خوف رخصت معنا ندارد و لاجناح در اینجا از عزائم است. ۲. طبق روایات قصر در سفر هدیه‌ای از جانب پروردگار است و عدم قبول هدیه قبیح می‌باشد. ۳. آیه در مقام تشریح است و در آیات تشریحی شارع متعال ادبیات حقوقی ندارد. ۴. این استظهار در نزد اهل بیت (ع) مُسَلَّم بوده است (محمد علی برکتین، ۱۴۰۲/۰۸/۰۶، تقریر شخصی). در پایان بیان می‌شود گروهی نیز در این زمینه، فقط از روایت مذکور جهت وجوب قصر در سفر بهره بردند، بدون استناد به آیه شریفه (بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۱ / ۲۹۸؛ مغربی، ۱۳۸۵: ۱ / ۱۹۵؛ قمی، ۱۴۲۰: ۶۸۶؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۹ / ۱۳۳؛ حجت کوه کمره ای، ۱۴۱۰: ۹۳).

#### ۴. بیان نظر رهبر انقلاب مقایسه با سایرین

آیت‌الله خامنه‌ای در مقابل چند گروه بالا قرار دارند، ایشان نه تنها آیه را مربوطه به نماز مسافر دانسته، بلکه آیه را دال بر وجوب نماز قصر دانسته و می‌فرمایند: «وقتی می‌بینم امام در صحیحه زراره از آیه به عنوان دلیل برای وجوب قصر نماز در سفر استمداد فرمودند؛ یعنی آیه خودش به صورت مستقل بر حکم مذکور دلالت دارد و باید در مقام استدلال وجهی را بیان کنیم تا با حکم مدنظر آیه منطبق شود». همچنین ایشان می‌فرمایند: «وقتی می‌بینیم امام به آیه استدلال می‌کنند، دلیل ندارد که بگوئیم وجوب را از جای دیگری می‌فهمیم و آیه دلالت ندارد، در این صورت مشکل از فهم ماست» (خامنه‌ای، درس خارج، ۱۳۹۳/۰۱/۱۸).

در بخش قبل ملاحظه شد، گروهی از علما هم‌نظر با آیت‌الله خامنه‌ای در زمینه دلالت آیه بر نماز قصر بودند، اما اینجا لازم است به تفاوت دیدگاه‌های موافقان ایشان و در نهایت استنباط یک قاعده اصولی در نظر معظم‌له و نوآوری ایشان در این زمینه پردازیم: برخی افراد مانند علامه طباطبایی تنها آیه را جهت بیان مشروعیت نماز کوتاه در سفر تفسیر کردند، بدون استفاده از روایت و برخی که آیه را دلیل بر وجوب نماز قصر برای مسافر دانستند، استنادشان به قرائن دیگر بود، اما ما در این قسمت مواجه هستیم با نظریه جدید آیت‌الله خامنه‌ای، یعنی استفاده از تفسیر تبعیدی قرآن

کریم به‌عنوان دلیل از کتاب در اصول فقه. در این نوشته با توجه به جمع‌آوری مبسوط از نظرات قدما و متأخران نوآوری ایشان در ابداع این قاعده اصولی به اثبات رسید.

پیش‌تر بیان شد، فقها جهت استدلال به آیه شریفه در راستای بیان حکم مذکور دو مانع در میان دارند: مانع نخست، عبارت «لیس علیکم جناح» است، آیت‌الله خامنه‌ای طبق بیانات مذکور با استدلال به روایت تفسیری آن را دال بر وجوب دانسته و تمثیل امام علیه‌السلام در روایت در مورد آیه ۱۵۸ سوره بقره را بیان می‌کنند، همچنین از طرفی به دلیلی غیر از روایت نیز استناد می‌فرمایند که وقتی اصل در نماز، نماز تمام است و مردم آن زمان نیز چنین می‌دانستند، آیه آمده است تا این حکم را بگویند و رفع توهم حظر و منع کند، تا اگر کسی در ذهنش باشد که نماز باید چهار رکعتی باشد و آن مصلحت دارد، آیه آمده تا بگویند مانعی ندارد که چنین کنید. اما در مورد مانع دوم یعنی قید «إن خفم» آن را قید غالبی برای سفرهای آن روز و ترس از راه‌زنان بیان می‌کنند (خامنه‌ای، درس خارج، ۱۳۹۳/۰۱/۱۸).

ایشان در موضوع آیه تقصیر تصریح می‌کنند که اگر روایت نبود به آیه استناد نمی‌کردیم (خامنه‌ای، درس خارج، ۱۳۹۳/۰۱/۱۸) و این یعنی آیه ظهور در بیان چنین حکمی ندارد و روایت است که ما را به استناد و سپس تطبیق رهنمون می‌سازد. ایشان در ادامه می‌فرمایند این‌گونه موارد استدلال به خود کتاب است، نه استدلال به سنت، زیرا استدلال به کتاب غیر از ظهور عرفی می‌تواند توسط تفسیر مفسرانی باشد که اعتماد به گفته آنان است (خامنه‌ای، درس خارج، ۱۳۹۳/۰۱/۱۹).

##### ۵. بررسی حجیت تفسیر تعبیدی آیات الاحکام در فقه

بهرمندی علمای علم اصول از کتاب عزیز در علم فقه، ظهورات نوعی قرآن کریم است، یعنی فقط برداشت‌هایی که نوع فقها از آیات دارند، حجت و مورد استفاده است (شیخ انصاری، ۱۳۹/۱۴۲۸: ۱؛ مظفر، ۱۳۷۵: ۱۵۶/۲؛ نجم آبادی، ۱۳۸۰: ۱۴۲/۲؛ صدر، ۱۴۱۸: ۳۰۳/۱) حتی مرحوم شیخ مفید هم که معانی قرآن را به ظاهر و باطن تقسیم‌بندی نموده‌اند، از مثال‌هایی که برای باطن قرآن بیان کرده‌اند متوجه می‌شویم مراد ایشان این‌گونه تفاسیر تعبیدی نیست (مفید، ۱۴۱۳: ۲۹). مسأله حجیت ظواهر از مبانی مهم اصولین است که مرز بین ایشان و جمع قابل‌توجهی از گروه مقابل، یعنی اخباریون را پایه‌ریزی می‌کند و نوعاً در کتب خود این مبحث را به‌عنوان پاسخ به آن جریان فکری بیان کرده‌اند (خامنه‌ای، ۱۴۲۳: ۴۱۸/۲؛ خمینی، ۱۴۱۸: ۳۲۱/۶).

تفسیر تعبیدی آیات فقهی با تقریری که از آیت‌الله خامنه‌ای در مورد یکی از مصادیق آن مورد مطالعه قرار گرفت یک مبنای جدید و منحصربه‌فرد در این موضوع است. اثبات حجیت این روش نو مبتنی است بر: ۱. حجیت قول ائمه هدی (ع) که مبتنی بر مبادی کلامی علم اصول برخواسته از

مقام عصمت الهی ایشان است و مورد اتفاق شیعه که مرز بین تشیع و سایر مذاهب است، می‌باشد. ۲. حجیت خبر واحد، که با تفصیل بسیار زیادی در کتب اصولین مورد بحث و اثبات قرار گرفته است (نراقی، ۱۳۸۴: ۵۲؛ میرزای قمی، ۱۳۷۸: ۴۲۹؛ صدر، ۱۴۱۷: ۳۳۸/۴) که هر دو این دو مقدمه در کمال قوت ثابت است که در نتیجه تفسیری که با خبر واحد صحیح از جانب ائمه هدی (ع) به ما می‌رسد را حجت می‌داند.

آنچه باید در این مبحث، مورد توجه باشد، تفاوت این مسأله با مسأله اصولی حجیت ظاهر کتاب عزیز است که مورد بحث واقع شده است، زیرا در این مسأله اساساً ما با آیاتی مواجه هستیم که ظاهر نوعی آن‌ها موافق مدلول خبر نیست و اخبار در تفسیر آیات شریفه مطلبی برخلاف ظاهر بیان می‌کند که طبق نظر جدید آیت‌الله خامنه‌ای در این نوشته، آیه قطعاً دلالت بر مطلب موردنظر دارد و اگر مخالف استظهار ماست، مشکل از فهم ناقص فقیه نسبت به امام معصوم می‌باشد (خامنه‌ای، درس خارج، ۱۳۹۳/۰۱/۱۸).

### نتیجه‌گیری

بعد از بررسی دقیق نظرات آیت‌الله خامنه‌ای در درس خارج نماز مسافر، ایشان در مواجهه با آیه ۱۰۱ سوره نساء یک قاعده کلی و همچنین جدید از مبنای اصولی ایشان به دست آوردیم. معظم‌له در مواجهه با صحیح زراره و محمد بن مسلم در ذیل آیه مذکور، پس از بررسی رجالی آن، آیه را به صورت مستقل، تعبداً دلیل بر وجوب نماز قصر بر مسافر بیان می‌دارند، زیرا در صحیح یادشده، امام (ع) آیه را، دلیل بر وجوب نماز قصر بیان کردند و به آن استدلال می‌کنند.

با توجه به آنکه آیه شریفه ظهور نوعی بر حکم مذکور ندارد؛ اما آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند وقتی امام به آن استدلال فرمودند؛ یعنی آیه در حقیقت دلالت دارد و باید دلالت آن را پذیرفت و مشکل عدم استظهار از عدم فهم کافی ما می‌باشد. ایشان در مواجهه با این گونه روایات بر این باورند که باید با قرائن استدلالی، منطبق با آیه بر حکم بیابیم و در صورت عدم کشف استدلال، باز هم آیه به صورت تبعیدی بر حکم دلالت دارد. معظم‌له روایت را به صورت یک قرینه متصله نمی‌دانند که بگویند روایت آن را این طور تفسیر کرده، بلکه روایت را دلیل بر دلالت آیه بر حکم مذکور می‌دانند.

در گروه فقهای مخالف ایشان، در صورت مواجهه با چنین مشکلی دو گروه از علما قرار دارند: گروهی به صورت مستقل با نقل روایت بدون بیان استدلالی آیه را دلیل بر حکم می‌دانند این افراد روایت را یک قرینه متصله برای تفسیر آیه می‌دانند. عده‌ای دیگر فقط استظهارات نوعی خود از کتاب عزیز را حجت دانسته و دلالتی برای آیه قائل نیستند و در نهایت امر برخلاف ایشان آیه را دلیل مستقل نمی‌دانند. دقیقاً برخلاف مبنای اصولی کشف شده در این مقاله ایشان معتقدند: اگر آیه‌ای ظهور در

حکمی نداشت، ولی در روایتی امام معصوم علیه‌السلام آیه را دلیل آن حکم بیان کرده باشند؛ دلیل حکم از کتاب است، نه سنت.

در بوته نقد نظر، فرمایش معظم‌له در قسمتی که بیان فرمودند: «اگر آیه استظهار نداشت، باید تلاش کنیم تا با قرائن استدلال صحیح را بیان کنیم»، صحیح است، اما در آن بخش که می‌فرمایند: «اگر استدلال را نیافتیم، باز هم آیه دلالت دارد.» به نظر محل تردید باشد، زیرا: ۱. استدلال‌های اصولی در کتب آن علم، مربوط به ظواهر است و ظواهر نوعی از قرآن کریم حجت می‌باشد، نه بواطن کتاب که راهی جز دسترسی به آن‌ها از جانب ائمه هدی (ع) نیست. ۲. قرآن کریم تواتر لفظی دارد و از یقینیات است و نمی‌توان دلالت آیات را از احاد که ظنون معتبره هستند، حتی اگر صحیحه باشند به دست آورد، در این صورت آن حجت از سنت است، نه از کتاب.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن حزم الأندلسی القرطبی، أبو محمد علی بن أحمد بن سعید (بی تا). المحلی بالآثار. بی جا.
۳. ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸م). جمهرة اللغة. بیروت: دارالعلم للملایین.
۴. ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق). المحکم و المحيط. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: اعلام اسلامی.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۷. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم. ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.
۸. ابن حیون مغربی، نعمان بن محمد (۱۳۸۵ق). دعائم الإسلام. قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۹. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۱ق). تفسیر غریب القرآن. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
۱۰. ابوعبیده، معمر بن مثنی (۱۳۸۱ق). مجاز القرآن. مصر: خانچی.
۱۱. ایباری، ابراهیم (۱۴۰۵ق). الموسوعة القرآنیة. قاهره: مؤسسة سجل العرب.
۱۲. اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا). زبدة البیان فی أحكام القرآن. تهران: المکتبه الجعفریة لإحیاء الآثار الجعفریة.
۱۳. ازدی بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
۱۴. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغة. بیروت: تراث عربی.
۱۵. استادان دانشگاه علوم حدیث (۱۳۹۰ش). آشنایی با علم حدیث (مقاله اول از عبدالهادی مسعودی). قم: دارالحدیث.
۱۶. اسماعیل صینی، محمود (۱۴۱۴ق). المکنز العربی المعاصر. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
۱۷. اسماعیل صینی، محمود (۱۴۱۴ق). المکنز العربی المعاصر. مکتبه لبنان ناشرون.
۱۸. اشتهدادی، علی پناه (۱۴۱۷ق). مدارک العروة. تهران: دار الأسوة للطباعة و النشر.
۱۹. الأصحیح المدنی، مالک بن أنسبن مالک بن عامر (بی تا). موطأ مالک بروایة محمد بن الحسن الشیبانی. بی جا: المکتبه العلمیه.
۲۰. اصفهانی، راغب (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ قرآن. بیروت: دارالعلم.
۲۱. اصفهانی، شیخ الشریعة، فتح الله بن محمد جواد نمازی (۱۳۹۲ق). أحكام الصلاة. قم: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام.
۲۲. ایروانی، باقر (۱۴۲۷ق). دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی علی المذهب الجعفری. قم: بی نا.
۲۳. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۴. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۳۷۴ش). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: بعثت.
۲۵. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۴۲ش). رجال البرقی. تهران: دانشگاه تهران.
۲۶. بروجردی، آقا حسین طباطبایی (۱۴۱۶ق). البدر الزاهر فی صلاة الجمعة و المسافر. قم: دفتر حضرت آیه الله بروجردی.
۲۷. بروجردی، آقا حسین طباطبایی (۱۴۲۶ق). تبیان الصلاة. قم: گنج عرفان للطباعة و النشر.

٢٨. بغوی، حسین بن مسعود (١٤٢٠ق). تفسیر البغوی المسمى معالم التنزیل. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
٢٩. بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل (١٤٢٤ ق). مصابیح الظلام. قم: مؤسسة العلامة المجدد الوحيد البهبهانی.
٣٠. جزیری، عبد الرحمن و همکاران (١٤١٩ق). الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت وفقاً لمذهب أهل البيت علیهم السلام. غروی، سید محمد - یاسر مازح. بیروت: دار الثقلمین.
٣١. جصاص، احمد بن علی (١٤٠٥ق). احکام القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
٣٢. جوهری، اسماعیل بن حماد (١٣٧٦ق). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة. بیروت: الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة.
٣٣. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی (بی تا). ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
٣٤. الحبري، حسین بن حکم (١٤٠٨ق). تفسیر الحبري. بیروت: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
٣٥. حسینی خامنه ای، سید علی (١٣٩٣ش). متن درس خارج فقه الصلاه رهبر معظم انقلاب.
٣٦. حلبی، ابن زهره، حمزة بن علی حسینی (١٤١٧ ق). غنية النزوع إلى علمی الأصول و الفروع. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
٣٧. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (بی تا). تذکرة. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
٣٨. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (١٤١١ق). رجال، نجف: دار ذخائر.
٣٩. حلّی، حسن بن یوسف (١٤١٤ق). تذکرة الفقهاء. قم: آل البيت علیهم السلام.
٤٠. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (١٤١٣ ق). مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وایسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
٤١. حلّی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف (١٣٨٧ق). إیضاح الفوائد فی شرح مشککات القواعد. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
٤٢. حلّی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن (١٤٠٧ق). المعتمبر فی شرح المختصر. قم: مؤسسه سید الشهداء علیه السلام.
٤٣. حیدری، محمد (١٣٨١ش). معجم الأفعال المتداولة و مواطن استعمالها، قم: المركز العالمی للدراسات الاسلامیة.
٤٤. خویی، سید ابوالقاسم موسوی (١٤١٨ق). موسوعة الإمام الخوئی. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
٤٥. خویی، سید ابوالقاسم موسوی (١٣٧٢ش). معجم رجال الحدیث: بی جا: بی تا.
٤٦. دینوری، عبدالله بن محمد (١٤٢٤ق). تفسیر ابن وهب المسمى الواضح فی تفسیر القرآن الکریم. بیروت: دارالکتب العلمیة. منشورات محمد علی بیضون.
٤٧. راغب، حسین بن محمد (١٤١٢ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دارلقلم.
٤٨. راوندی، قطب الدین، سعید بن عبدالله (١٤٠٥ ق). فقه القرآن. قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
٤٩. روحانی، سید صادق (١٤١٢ ق). فقه الصادق علیه السلام. قم: دار الكتاب - مدرسه امام صادق علیه السلام.
٥٠. زرقانی، محمد عبدالعظیم (بی تا). مناهل العرفان فی علوم القرآن. بیروت: دار احياء التراث العربی.
٥١. سبحانی، جعفر (١٤٢٣ق). الإنصاف فی مسائل دام فیها الخلاف. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.

۵۲. سبزواری، محقق، محمدباقر بن محمد مؤمن (۱۲۴۷ ق). ذخیره المعاد فی شرح الارشاد. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۵۳. سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ق). تفسیر السمرقندی المسمى بحر العلوم. بیروت: دارالفکر.
۵۴. سیوری، فاضل مقداد بن عبدالله (۱۳۷۳ش). کنز العرفان فی فقه القرآن. تهران: مرتضوی.
۵۵. سیوری، فاضل مقداد (۱۴۱۴ق). التنقیح الرائع. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۵۶. شافعی، ابو عبدالله محمد بن ادريس بن العباس بن عثمان بن شافع بن عبدالمطلب بن عبد مناف مطلبی القرشی المکی (۱۴۱۰ق). الام. بیروت: دارالمعرفة.
۵۷. شافعی، محمد بن ادريس (۱۴۱۲ق). احکام القرآن. بیروت: دار الکتب العلمیة. منشورات محمد علی بیضون.
۵۸. شریف مرتضی علی بن حسین موسوی (۱۴۱۷ق). المسائل الناصریات. تهران: رابطه الثقافة والعلاقات الإسلامية.
۵۹. شبیانی، اسحاق بن مرار (۱۹۷۵ م). کتاب الحجیم. قاهره: الهیئة العامه لشئون المطابع الامیریة.
۶۰. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق). هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی. گروه حدیث.
۶۱. صاحب، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق). المحيط فی اللغة. بیروت: عالم کتاب.
۶۲. صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲ش). النضال. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۶۳. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لا يحضره الفقيه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزة علمیه قم.
۶۴. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. لبنان: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۶۵. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م). التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم. اردن، اربد: ثقافی.
۶۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البیان. تهران: ناصر خسرو.
۶۷. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفة.
۶۸. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ق). الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزة علمیه قم.
۶۹. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ق). الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزة علمیه قم.
۷۰. طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۷۳ش). رجال الطوسی. قم: جامعه مدرسين.
۷۱. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۲۰ ق). فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنّفین و أصحاب الأصول. قم: مکتبة المحقق الطباطبائی.
۷۲. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. لبنان: دار إحياء التراث العربی.
۷۳. عاملی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۱۹ ق). استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۷۴. عاملی، سید جواد بن محمد حسینی (۱۴۱۹ ق). مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزة علمیه قم.
۷۵. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی (بی تا). رسائل الشهيد الأول. بی جا.

٧٦. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (١٤٢١ ق). رسائل الشهید الثانی. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
٧٧. عاملی، محمد بن علی موسوی (١٤١١ ق). مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام. بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
٧٨. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة (١٤١٥ ق). تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان.
٧٩. عسکری، حسن بن عبدالله (١٤٢٨ ق). تصحیح الوجوه و النظائر، قاهره: مكتبة الثقافة الدينية.
٨٠. علم الهدی، سید مرتضی (١٤١٥ ق). الانتصار فی انفرادات الإمامیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
٨١. علم الهدی، علی بن الحسین (١٤٣١ ق). تفسیر الشریف المرتضی المسمی بنفائس التأویل. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
٨٢. عیاشی، محمد بن مسعود (١٣٨٠ ق). تفسیر العیاشی. تهران: المطبعة العلمية.
٨٣. فارسی، حسن بن احمد (١٤١٣ ق). الحجّة للقرّاء السبعة. بیروت: دار المأمون للتراث.
٨٤. فراهیدی، خلیل بن احمد (١٤٠٩ ق). کتاب العین. قم: هجرت.
٨٥. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (١٤٠٦ ق). الوافی. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
٨٦. القرافی، أبو العباس شهاب الدین أحمد بن إدريس بن عبد الرحمن المالکی (١٩٩٤ م). الذخيرة. بیروت: دارالغرب الاسلامی.
٨٧. قمی، سید تقی طباطبایی (١٤٢٣ ق). الدلائل فی شرح منتخب المسائل. قم: کتابفروشی محلاتی.
٨٨. قمی، عباس، (١٤١٤ ق). سفینه البحار، قم: اسوه.
٨٩. کاشف الغطاء، حسن بن جعفر بن خضر (١٤٢٢ ق). أنوار الفقاهة- کتاب الصلاة. نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء.
٩٠. کاظمی، فاضل جواد بن سعد اسدی (بی تا). مسالک الأفهام إلى آیات الأحکام. بی جا.
٩١. کرکی، علی بن حسین (١٤٠٩ ق). رسائل المحقق کرکی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی و دفتر نشر اسلامی کلینی، محمد بن یعقوب (١٤٠٧ ق). الکافی، تهران: اسلامیه.
٩٢. کمالی دزفولی، علی، (١٣٧٠ ش). شناخت قرآن، ایران - تهران: اسوه.
٩٣. کوهکمری، سید محمد بن علی حجت (١٤١٠ ق). النجم الزاهر فی صلاة المسافر. تبریز: طلوع.
٩٤. گیلانی، میرزای قمی، ابو القاسم بن محمد حسن (١٤٢٠ ق). مناهج الأحکام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
٩٥. ماتریدی، محمد بن محمد (١٤٢٦ ق). تأویلات أهل السنة، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون مالک ابن انس، اصبحی مدنی (١٤١٥ ق). المدونه. بی جا: دارالکتب العلمیه.
٩٦. مجلسی، محمدباقر (١٤٢٩ ق). بحار النوار. لبنان، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
٩٧. مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی (١٤٠٦ ق). روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.

تحليل مبنى تفسير تعبدى در فقهه با تأكيد بر دیدگاه حضرت آیت الله العظمى خامنه‌ای (مدظله العالی) درباره آیه... (فضعلى) ۱۴۳

۹۸. محمد على بركتین، تقریرات شخصى درس خارج فقه صلاه مسافر (۱۴۰۲ ش). مركز فقهى حضرت صاحب الامر عجل الله فرجه.
۹۹. مرتضى زبيدى، محمد بن محمد (۱۴۱۴ ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بيروت: دار الفكر.
۱۰۰. معرفت، محمد هادى (۱۳۸۶ ش). صيانة القرآن من التحريف. قم: موسسه فرهنگى انتشاراتى التمهيد.
۱۰۱. معرفت، محمد هادى (۱۴۱۸ ق). التفسير و المفسرون فى ثوبه القشيب. مشهد مقدس: لجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية.
۱۰۲. مغربى، ابو حنيفه، نعمان بن محمد تميمى، تأويل الدعائم - تربية المؤمنین بالتوفيق على حدود باطن علم الدين. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۱۰۳. مفيد، محمد بن محمد بن نعمان تلعبرى (۱۴۱۳ ق). المقنعة. قم: كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد رحمة الله عليه.
۱۰۴. مكى بن حموش (۱۴۲۹ ق). الهداية إلى بلوغ النهاية. شارجه. بيروت: جامعة الشارقة، كلية الدراسات العليا و البحث العلمى.
۱۰۵. ميانجى، محمد باقر ملكى (۱۴۰۰ ق). بدائع الكلام فى تفسير آيات الأحكام. بيروت: مؤسسة الوفاء.
۱۰۶. ميبدى، احمد بن محمد (۱۳۷۱ ش). كشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسير خواجه عبدالله انصارى). تهران: امير كبير.
۱۰۷. ميرزاى قمى، ابو القاسم بن محمد حسن (۱۴۱۷ ق). غنائم الأيام فى مسائل الحلال و الحرام. قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علمي قم.
۱۰۸. ميلانى، سيد محمد هادى حسيني (۱۳۹۵ ق). محاضرات فى فقه الإمامية - صلاة المسافر و قاعدتى الصحة و اليد. مشهد: مؤسسه چاپ و نشر دانشگاه فردوسى.
۱۰۹. نجاشى، احمد بن على (۱۳۶۵ ش). رجال نجاشى. قم: نشر اسلامى.
۱۱۰. نجفى، كاشف الغطاء، على بن محمد رضا بن هادى (بى تا). كتاب الصلاة. بى جا: مؤسسه كاشف الغطاء.
۱۱۱. نجفى، محمد حسن (۱۴۰۴ ق). جواهر الكلام. بيروت: دار إحياء التراث العربى.
۱۱۲. نراقى، مولى احمد بن محمد مهدى (۱۴۲۵ ق). الحاشية على الروضة البهية. قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
۱۱۳. يزدى، سيد عباس مدرسى (۱۴۱۰ ق). نموذج فى الفقه الجعفرى. قم: كتابفروشى داورى.
۱۱۴. يزدى، محمد (۱۴۱۵ ق). فقه القرآن. قم: مؤسسه اسماعيليان.

